

مطالعه تطبیقی حس تعلق مکانی
در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی
(مورد مطالعه: شهر جدید پرند و نسیم شهر)

* محمد شیخی

** سعیده امینی

*** آناهیتا نظامی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۲۶

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۲

چکیده

حس تعلق مکان از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر رابطه فرد با محیط است. این حس دربرگیرنده عوامل گوناگونی است که کیفیت زندگی فرد در مکان را متأثر می‌سازد. وجود حس تعلق و یا عدم وجود آن بر رفتارهای افراد در جامعه تأثیر می‌گذارد. این پژوهش باهدف بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر

* استادیار برنامه‌ریزی و توسعه شهری و منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی.

m.shaikhi3000@gmail.com

samini@atu.ac.ir

** استادیار پژوهشگری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

*** کارشناس ارشد برنامه‌ریزی، توسعه منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی. anahita.nezami@yahoo.com

حس تعلق مکان در میان ساکنین شهر جدید پرنده (اسکان رسمی) و نسیم شهر (اسکان غیررسمی) انجام گرفته است. برای نیل به این هدف تلاش شد تا با اتکا به دیدگاه‌های نظری موجود چارچوب نظری مناسبی تدوین و در پرتو آن فرضیاتی تنظیم گردد. با استفاده از روش پیمایش و آمار توصیفی و استنباطی داده‌های لازم فراهم و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۹۲ نفر و نمونه‌گیری چندمرحله‌ای بکار گرفته شد. نتایج تحقیق نشان داد که حس تعلق مکانی در اسکان غیررسمی (نسیم شهر) بیش از اسکان رسمی (پرنده) است. همچنین سرمایه اجتماعی ساکنان نسیم شهر بیش از ساکنان پرنده و سرمایه فرهنگی ساکنین پرنده بیش از ساکنین نسیم شهر است. نتایج تحلیل رگرسیون نیز بیانگر این است که حس تعلق مکانی در شهر جدید پرنده به ترتیب از سرمایه اجتماعی، نگرش به ویژگی‌های فضایی-کالبدی، سرمایه فرهنگی و حس تعلق مکانی و در نسیم شهر به ترتیب از سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و نگرش به ویژگی‌های فضایی-کالبدی تأثیر می‌پذیرد. در مجموع مطابق نتایج حاصله، سرمایه اجتماعی مهم‌ترین عامل اثرگذار بر حس تعلق مکان در دو شهر پرنده و نسیم شهر است.

واژه‌های کلیدی: حس تعلق مکان، اسکان رسمی، اسکان غیررسمی،

سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، نگرش به ویژگی‌های فضایی-کالبدی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که حیات جمعی و روابط اجتماعی تأثیر می‌گذارد، مکان‌مندی و تعلق داشتن به مکانی خاص است. مکان‌مندی موجبات روابط پیچیده فرد با مکان را پدید می‌آورد. رابطه انسان و مکان سکونت مهم‌ترین وجه رابطه انسان با محیط است، آدمی بیش‌ترین و مهم‌ترین ساعات زندگی خود را در مکان سکونت خود

می‌گذارند و عمده روابط اجتماعی خود را بر اساس آن سامان می‌بخشد. انسان با محیط زندگی خود درمی‌آمیزد و مکان یکی از مؤلفه‌های هویت‌بخش زندگی او می‌شود تا جایی که بخشی از وجود خود را با مکان می‌فهمد و به دیگران می‌شناساند. سال‌هاست که محققین در حوزه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی به مطالعه رابطه انسان و محیط و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. اما آنچه لزوم توجه به این امر را تشدید می‌کند رشد و گسترش شهرها و حومه‌های آن و سیر صعودی شهرنشینی طی سالیان اخیر است. مهاجرت گسترده از روستاها به شهرها سبب شده تا سکونتگاه‌های غیررسمی در اطراف شهرهای بزرگ پدید آیند. علاوه بر این شیوه سکونت، صورت دیگری از شهرهای جدید نیز وجود دارند که در قالبی رسمی و نسبتاً برنامه‌ریزی شده ایجاد شده‌اند که مبدل به خوابگاهی برای شاغلین در شهرهای بزرگ شده‌اند.

رویکرد موردتوجه در غالب اسکان‌های رسمی (به‌عنوان نمونه شهر جدید پرند) رویکردی تک بُعدی بوده که در آن صرفاً ساخت فضاهای مسکونی؛ رعایت کمی استانداردهای شهری و چشم‌پوشی از استانداردهای کیفی؛ اولویت مسائل مالی و توجیهات اقتصادی در کنار عدم توجه به تاریخ، خاطره و روح جمعی سبب شده که مسائل و مشکلات عدیده‌ای در این شهرها ظهور یابد و هدف نهایی که کاهش مشکلات شهرهای بزرگ و هدایت سرریز جمعیتی آنان است، تحقق پیدا نکند از جمله مواردی که در این طرح‌ها به‌مثابه مسئله‌ای فرعی و تزئینی قلمداد شده مسئله حس تعلق مکان است. این در حالی است که علقه‌های هویتی^۵ اجتماعی و حس تعلق مکان عامل اصلی و تعیین‌کننده در پایداری و ماندگاری جمعیت است.

در کنار اسکان‌های رسمی، سکونت‌گاه‌های غیررسمی وجود دارند که از نمادهای بارز فقر شهری‌اند و در مجاور شهرها به‌ویژه شهرهای بزرگ به شکلی خودرو، فاقد مجوز ساختمان و برنامه رسمی شهرسازی، با تجمعی از اقشار کم‌درآمد و سطح نازلی از کمیّت و کیفیت زندگی شکل گرفته‌اند. با این حال شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی به دست خود ساکنین و تداوم و گسترش زندگی در این نوع از سکونتگاه‌ها، با وجود

مشکلات گوناگون موجود در آن‌ها، باعث شکل‌گیری نوعی هویت جمعی حاشیه‌ای، حس تعلق مکانی و اعتماد متقابل در بین ساکنین این مناطق شده است. بر این اساس در مقاله حاضر کوشش می‌شود تا رابطه حس تعلق مکان و عوامل اجتماعی- فرهنگی و کالبدی مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گیرد. بررسی و شناخت حس تعلق مکان در میان ساکنین و عوامل تأثیرگذار بر آن، زمینه‌ساز طراحی برنامه‌ها و سیاست‌هایی در جهت تقویت حس تعلق مکان خواهد بود که به دنبال آن پایداری و ماندگاری ساکنین را در این مناطق رقم خواهد زد.

بر این اساس تلاش می‌شود تا در مقاله حاضر به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود:

۱- حس تعلق مکان ساکنان پرند و نسیم شهر در مقایسه با یکدیگر چگونه است؟

۲- چه عواملی بر حس تعلق مکان ساکنان پرند و نسیم شهر تأثیر دارد؟

تحقیقات پیشین

حس تعلق مکان مجموع پیوندهای احساسی، شناختی و رفتاری میان انسان‌ها و مکان زندگی‌شان است، که بنیان ادراک آن‌ها از محیط پیرامونشان و رابطه‌شان با مکان را فراهم می‌کند و چارچوب هویتی افراد جامعه را شکل می‌دهد. اهمیت حس تعلق مکان تا آنجا بوده که این مقوله موضوع تحقیقات داخلی و خارجی بسیاری قرار گرفته و هر یک از منظر متفاوتی به آن پرداخته‌اند. در برخی از این پژوهش‌ها به جنبه‌های صرفاً کالبدی توجه شده و فضای کالبدی و ویژگی‌های مرتبط با آن، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند (فلاح، ۱۳۸۵. میردامادی، ۱۳۹۱. وارثی، ۱۳۹۰. کریمی، ۱۳۹۰. بنایوتو، ۱۹۹۹). در برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز با بی‌اعتنایی به این جنبه از فضا، جنبه‌های شخصی و یا اجتماعی برجسته شده و ویژگی‌های مرتبط با آن‌ها مورد توجه واقع شده‌اند (رهنما و رضوی، ۱۳۹۱). در تعدادی از این تحقیقات نیز سعی شده تا با تلفیق عوامل مؤثر بر حس تعلق مکان فهم بهتری از این مفهوم حاصل شود (شارمی و پرتوی، ۱۳۸۸. تبریزی،

۱۳۸۲. زنگنه و حسین‌آبادی، ۱۳۹۲. اسکنل و گیفورد، ۲۰۱۰. هاشس، ۲۰۰۵. هیدالگو وهرناندز، ۲۰۰۱). با مروری بر تحقیقات پیشین می‌توان دریافت که از بزرگ‌ترین دلایل عدم موفقیت اسکان‌های رسمی (شهرهای جدید) درزمینه‌های گوناگون، بی‌هویتی، عدم تعلق مکانی ساکنین و وجود نگاهی صرفاً کمی در این شهرها است، که این امر پیامدهای ناگواری مثل مسئولیت‌گریزی، دل‌زدگی و بی‌تفاوتی را در این شهرها به دنبال خواهد داشت.

مبانی نظری

حس تعلق مکان، به بیان براون و پرکینز (۱۹۹۲) مجموع پیوندهای احساسی، شناختی و رفتاری میان انسان‌ها و مکان زندگی‌شان است که مبنای ادراک آنان و رابطه‌شان با مکان را فراهم می‌آورد و چارچوب هویتی فرد و جامعه را شکل می‌دهد. با پیوند بیش‌تر فرد یا مکان در گذر زمان، مکان به‌عنوان تأمین‌کننده نیازهای اساسی و امنیت برای فرد اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، به‌گونه‌ای که فرد خود را جزئی از مکان و در پیوند با مکان تعریف می‌کند و درنهایت حس تعلق مکان در او پدید می‌آید.

حس تعلق مکان مفهومی چندوجهی است که اسکنل و گیفورد (۲۰۱۰)، سه بعد عاطفی، شناختی، رفتاری برای آن در نظر گرفته‌اند. به‌زعم آنان سه بعد ارائه شده به دلیل شمول تمامی معانی ارائه شده از تعلق مکانی می‌تواند در حوزه تحقیقات تجربی و تئوریک مورد استفاده قرار گیرد (2: Scannell & Gifford, 2010).

این مفهوم از دو منظر روان‌شناختی (مشخصاً روان‌شناسی محیطی) و جامعه‌شناختی (مشخصاً پدیدارشناسی) قابل بررسی است. در حوزه روان‌شناسی محیطی دیدگاه‌های نظریه‌پردازانی نظیر استیل، ویلیامز، لو و آلتمن، شامای و کراس مطرح شده است. از منظر روان‌شناسی محیطی، تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد یا جمع با یک محیط اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق مکانی رابطه تعلق و هویتی فرد به محیط اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند (Low & Altman, 1992). تعلق مکان سطحی

بالتر از حس مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. تعلق مکان که بر پایه حس مکان به وجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌شود (Steele, 1981: 44).

در حوزه پدیدارشناسی نظریات نظریه‌پردازانی نظیر توآن، رلف و شولتز بررسی شده است. در پدیدارشناسی، حس تعلق مکانی به معنای پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم و مکان با اجزاء تشکیل‌دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش عمق ارتباط فرد با محیط می‌گردد و با گذر زمان گسترش بیشتری پیدا می‌کند (Relph, 1976; Tuan, 1974). تعاریف نظریه‌پردازان این رویکرد بر پایه ماهیت حس مکان، مدت و عمق تجربیات در مکان است. آنان بیش‌تر به مفهوم حس مکان پرداخته و حس تعلق مکان را به عنوان مرحله‌ای در ادامه و تکمیل حس مکان مورد توجه قرار داده‌اند. حس تعلق مکان متأثر از عوامل اجتماعی و فرهنگی و کالبدی است که در مقاله حاضر به منظور تحدید عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر، مفاهیم سرمایه اجتماعی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفتند.

سرمایه اجتماعی در قالب نظریات بوردیو (۱۹۸۶)، پاتنام (۱۳۸۰-۱۹۹۳)، فوکویاما (۱۳۸۵)، کلمن (۱۳۷۷)، افه و فوش (۲۰۰۲) مطرح شد. بر پایه نظریات یاد شده مفهوم سرمایه اجتماعی را می‌توان روابط اجتماعی بین افراد دانست که از طریق تعهدات، ارتباطات اجتماعی، شبکه‌های عمیق تعاملی و فرآیند اجتماعی شدن حاصل می‌شود و دربرگیرنده شاخص‌های آگاهی و توجه، اعتماد، هنجارهای مشارکتی و شبکه‌های اجتماعی است که موجب ارتقای همکاری بین افراد به صورتی منسجم و باثبات به منظور تأمین هدفی مشترک می‌شود و آنان را به ایجاد کنش جمعی توانا می‌سازد. در پیوند با سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی مطرح می‌شود که در بینش نظری بوردیو (۱۹۶۸)،

قابل جستجوست. بر پایه دیدگاه‌های یاد شده سرمایه فرهنگی را می‌توان مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات دانست که در جریان آموزش‌های رسمی و خانوادگی-فرآیند جامعه‌پذیری- در فرد شکل می‌گیرد و زمینه دست‌یابی به یک موقعیت اجتماعی یا حفظ آن را فراهم می‌آورد. سرمایه فرهنگی در سه مقوله، سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی عینیت یافته و سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده قابل تفکیک است که دست‌یابی به هرکدام از اشکال آن نیازمند کار طولانی، صرف زمان برای یادگیری و منابع مالی است. بنابراین مجموعه دانش‌ها، معلومات و مهارت‌هایی که در فرآیند جامعه‌پذیری به‌عنوان سرمایه فرهنگی در افراد شکل می‌گیرد، می‌تواند به‌عنوان عنصری مهم جهت حفظ منافع و دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی عمل کند، که در برخی موارد قابل تبدیل به سرمایه اجتماعی است. علاوه بر سرمایه اجتماعی-فرهنگی، عوامل فضایی-کالبدی (نگرش افراد به ویژگی‌های فضایی- کالبدی) و مدت‌زمان سکوت نیز بر حس تعلق مکان تأثیر چشمگیری دارند. عوامل کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها، نوع ساماندهی، چیدمان اجزاء کالبدی، همسازي و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان زمینه‌ساز حس تعلق افراد به مکان سکونتشان می‌شوند (جوان فروزنده و مطلبی، ۳۳: ۱۳۹۰). بنابراین وقتی از عوامل فضایی- کالبدی یک محله مسکونی بحث می‌شود؛ در واقع بحث ادراک و نگرش افراد نسبت به قابلیت و کیفیت مجموعه عناصر کالبدی در ارضای نیازها و خواسته‌ها می‌باشد و طبیعتاً باید نگرش و رضایت ساکنان در مورد دسترسی به امکانات، خدمات و حمل‌ونقل عمومی؛ جذابیت منظر شهری و طبیعی؛ نظافت محله؛ روشنایی؛ وضعیت شبکه معابر و... موردسنجش قرار گیرد (زنگنه و حسین‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۳۹ و مظلومی، ۱۴۵: ۱۳۸۹). در مقاله حاضر تلاش شده تا با ارائه شاخص‌هایی به‌منظور بررسی سرمایه اجتماعی و فرهنگی، نگرش افراد به ویژگی‌های فضایی- کالبدی و مدت‌زمان اقامت، حس تعلق مکانی موردبررسی قرار گیرد.

چارچوب نظری

سکونت فرد در مکانی خاص سبب می‌شود فرد تعلق عاطفی نسبت به آن مکان پیدا کند و این عواطف زمینه‌ساز شناخت او از محیط و درنهایت بروز الگوهای رفتاری متفاوتی می‌گردد. به اعتقاد توآن^۱ احساس جنبه بسیار مهمی است که به وسیله آن مردم به مکان‌هایشان معنا می‌بخشند (Casakin & Kreitler, 2008: 81) به نقل از Scannell & Gifford, 2010).

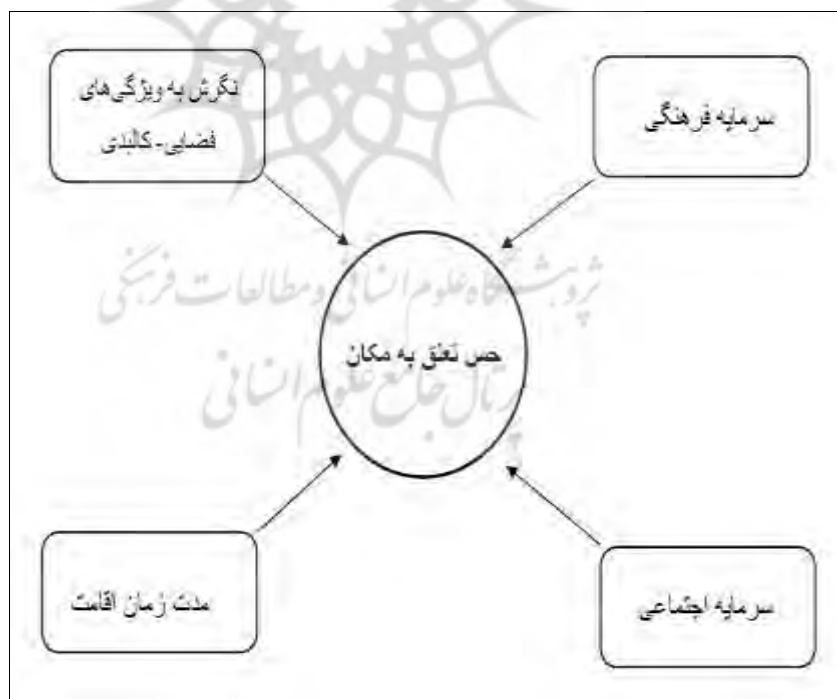
این نوع از جذب مکان انگیزه حضور و گذراندن وقت در آن بوده و بر پیوندهای حسی فرد با یک مکان خاص تکیه دارد (Warzecha & Lime, 2001: 32) به نقل از Scannell & Gifford, 2010). شناخت، جزء دیگر تعلق مکانی است. خاطرات، اعتقادات، معانی و دانشی که افراد نسبت به مکان‌های خاص دارند، آن مکان‌ها را برایشان مهم می‌کند. از طریق خاطرات، مردم برای مکان‌ها معنا خلق کرده و آن را با تعریفی که از "خود" دارند مرتبط و با مکان زندگی‌شان پیوند برقرار می‌کنند. (Scannell & Gifford, 2010: 3). بُعد رفتار به چگونگی رفتار در مکان اشاره دارد که تحت تأثیر محیط تجربه شده و نیز تجربه فرد در گذشته است (همان). تکوین پیوندهای اجتماعی و حضور در شبکه‌های اجتماعی در مکانی معین، باعث پدیداری روح جمعی میان ساکنان آن مکان می‌گردد، به طوری که مکان خاص یادآور خاطرات جمعی افراد می‌شود و همین امر نوعی حس تعلق مکان را در آنان ایجاد می‌کند. بر این اساس رابطه‌ای عمیق میان حس تعلق مکان و سرمایه اجتماعی پدید می‌آید. این سرمایه تا اندازه زیادی وابسته به مکان و مکان‌مند است. بر این اساس گاهی با دوری افراد از مکانی خاص از میزان و عمق پیوندها کاسته می‌شود، بنابراین حضور مداوم افراد در مکان زمینه‌ساز فعلیت سرمایه اجتماعی است. در کنار سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی نیز در ایجاد و تعمیق حس تعلق مکانی از اهمیت شایانی برخوردار است. سرمایه

1. Tuan, Yi-Fu

فرهنگی دربرگیرنده عادات، سلاقی، اشیاء فرهنگی، مدارک علمی و تحصیلی و... است (Bourdieu, 1986). با نگاهی به عناصر شکل دهنده سرمایه فرهنگی نیز می‌توان مکان‌مند بودن این عناصر را درک کرد. بدین معنا سرمایه فرهنگی بسان واحد پولی است که در جغرافیای خاصی ارزش و اعتبار دارد و افراد برای استفاده از این سرمایه باید در همان جغرافیا آن را مورداستفاده قرار دهند. بر این اساس عادات و سلاقی فرهنگی مشابه، حضور افراد را در مکانی خاص رقم می‌زند. به‌عنوان نمونه حضور افراد در یک کنسرت سستی و یا پاپ، حضور افراد در یک سالن تئاتر و یا سینما نمایانگر سرمایه فرهنگی آنان است، این مورد را می‌توان به محیط‌های شهری نیز بسط داد. بر این اساس ساکنین یک منطقه به‌طور نسبی از سرمایه فرهنگی مشابهی برخوردارند و می‌توان گفت حضور در مکانی خاص مبین سرمایه فرهنگی حضار آن است. به‌طورکلی دیالکتیکی بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی وجود دارد که گاهی این رابطه از حالت دیالکتیک خارج می‌شود و یک مفهوم در مفهوم دیگر مسخ می‌شود. به بیان بوردیو شرایطی پیش می‌آید که یک سرمایه تبدیل به سرمایه دیگر می‌شود (Bourdieu, 1986). تبدیل شوندگی این دو مفهوم به یکدیگر آن‌ها را به مفهوم مکان پیوند می‌دهد. به‌عنوان نمونه سرمایه فرهنگی باعث می‌شود افراد با سلاقی و عادات فرهنگی مشابه در مکانی خاص سکونت گزینند و همین سکونت زمینه‌ساز تکوین پیوندهای اجتماعی و تعمیق آن‌ها در طولانی‌مدت می‌شود و غالباً این فرآیند در بستر مکانی خاص رخ می‌دهد که پس از چندی این مکان تداعی‌کننده پیوندهای اجتماعی می‌گردد. در کنار سرمایه اجتماعی و فرهنگی، نگرش به ویژگی‌های فضایی - کالبدی نیز بر حس تعلق مکان تأثیر بسزایی دارند. روانشناسی محیطی مشخصاً به این امر توجه کرده است؛ بر اساس این دیدگاه عناصر کالبدی از طریق ایجاد تمایز محیطی، ارتباط درون و بیرون در فضاها، نوع ساماندهی، چیدمان اجزاء کالبدی، همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان زمینه‌ساز حس تعلق افراد به مکان سکونتشان می‌شوند (جوان فروزنده و مطلبی، ۳۳: ۱۳۹۰). مکانی که از طریق عناصر کالبدی خود، مانند بناها، طراحی، میدان‌ها، خیابان‌ها و یا محیط‌های

خاطره‌انگیز هویت یافته است، برای فرد بسیار بیش از یک مکان بی‌هویت حس تعلق ایجاد می‌کند. معماری، فرم مکان، طراحی، رنگ و دیگر عناصر کالبدی همه بر تجربه افراد از زندگی در مکانی خاص تأثیر دارند. محیط کالبدی باید تأمین‌کننده نیازها و خواسته‌های افراد باشد تا به مرور حس تعلق مکان از طریق ایجاد رضایت و آسودگی در ساکنین ایجاد شود. از سویی به نظر می‌رسد حس تعلق مکان با مدت اقامت افراد در محیط رابطه نزدیکی دارد. افراد هرچه بیش‌تر در یک مکان زندگی می‌کنند با آن مکان بیشتر احساس این‌همانی کرده و آن مکان در هویت آن‌ها بیش‌تر نهادینه می‌شود. به عبارت دیگر، ارتباط با محیط‌های اجتماعی و کالبدی با افزایش مدت زمان اقامت، قوی‌تر شده و رشد می‌کند و باعث افزایش پیوندهای اجتماعی، تعمیق و پایداری آن‌ها می‌شود.

مدل نظری



فرضیه‌های تحقیق

- به نظر می‌رسد بین حس تعلق مکان و نوع سکونت در سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (نسیم شهر و پرند) رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و حس تعلق مکانی ساکنین سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (نسیم شهر و پرند) رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه فرهنگی و حس تعلق مکانی ساکنین سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (نسیم شهر و پرند) رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین نگرش به ویژگی‌های فضایی - کالبدی و حس تعلق مکانی ساکنین سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (نسیم شهر و پرند) رابطه معنادار وجود دارد.
- به نظر می‌رسد میان مدت سکونت افراد و حس تعلق مکانی ساکنین سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی (نسیم شهر و پرند) رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

جمعیت آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری:

در مقاله حاضر روش پیمایش و ابزار پرسشنامه بکار گرفته شد. جامعه آماری را کلیه سرپرست‌های خانوار ساکن شهر جدید پرند (اسکان رسمی) و نسیم شهر (اسکان غیررسمی) تشکیل دادند و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۹۲ نفر برآورد گردید و در نهایت از نمونه‌گیری چندمرحله‌ای استفاده گردید.

تعاریف نظری و عملیاتی

متغیر وابسته

حس تعلق مکانی: از برآیند مباحث نظری، مفهوم تعلق مکان مجموع پیوندهای احساسی، شناختی و رفتاری میان انسان‌ها و مکان زندگی‌شان پنداشته می‌شود که مبنای ادراک فرد و رابطه‌اش با مکان را فراهم می‌آورد و چارچوب هویتی فرد و جامعه را شکل می‌دهد. با پیوند بیش‌تر فرد و مکان در گذر زمان، مکان به‌عنوان تأمین‌کننده نیازهای اساسی و امنیت برای فرد اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، به‌گونه‌ای که فرد خود را جزئی از مکان و در پیوند با مکان تعریف می‌کند و در نهایت حس تعلق مکان در او شکل می‌گیرد. برای حس تعلق مکانی سه بُعد عاطفی (تعلق مکانی به‌عنوان احساس و عاطفه)، شناختی (تعلق مکانی به‌عنوان ادراک و شناخت)، رفتاری (تعلق مکانی به‌عنوان رفتار) در نظر گرفته شد. برای سنجش این متغیر گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت طراحی شدند.

متغیرهای مستقل

سرمایه اجتماعی: از برآیند دیدگاه‌های نظری ذکر شده سرمایه اجتماعی را می‌توان روابط اجتماعی بین افراد دانست که از طریق تعهدات، ارتباطات اجتماعی، شبکه‌های عمیق تعاملی و فرآیند اجتماعی شدن حاصل می‌شود و دربرگیرنده شاخص‌های آگاهی و توجه، اعتماد، هنجارهای مشارکتی و شبکه‌های اجتماعی است که موجب ارتقای همکاری بین افراد به صورتی منسجم و باثبات به‌منظور تأمین هدفی مشترک می‌شود و آنان را به ایجاد کنش جمعی توانا می‌سازد. برای سرمایه اجتماعی چهار بُعد آگاهی، اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و مشارکت در نظر گرفته شد و برای سنجش این متغیر گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت طراحی شدند.

سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی را باید مجموعه‌ای از روابط، معلومات و امتیازات دانست که در جریان آموزش‌های رسمی و خانوادگی - فرآیند جامعه‌پذیری - در فرد شکل می‌گیرد و زمینه دستیابی به یک موقعیت اجتماعی یا حفظ آن را فراهم می‌آورد. برای سرمایه فرهنگی سه بُعد سرمایه فرهنگی تجسم یافته، عینیت یافته و نهادینه شده در نظر گرفته شد و برای سنجش این متغیر سولاتی طراحی شدند.

نگرش به ویژگی‌های فضایی - کالبدی: این متغیر سه بُعد جذابیت بصری، دسترسی به خدمات، دسترسی به حمل و نقل عمومی دارد (مظلومی، ۱۴۵: ۱۳۸۹) که برای سنجش این متغیر گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت طراحی شدند

طول مدت سکونت (عامل زمان): طول مدت سکونت را در قالب یک سؤال (چه مدت در پرنده/ نسیم شهر ساکن بوده‌اید؟ زیر ۱ سال / ۱ تا ۳ سال / ۳ تا ۵ سال / ۵ تا ۷ سال / بیش از ۷ سال) سنجیدیم.

اعتبار و پایایی:

در تحقیق حاضر از اعتبار صوری^۱ استفاده شد. بر این اساس ابزار اندازه‌گیری تحقیق (پرسشنامه) از طریق مراجعه به اساتید و صاحب نظران مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد.

جدول ۱- آلفای کرونباخ^۲

میزان آلفا	متغیرهای تحقیق
۰/۸۵۳	حس تعلق مکانی
۰/۸۵۶	سرمایه اجتماعی
۰/۸۸۸	ویژگی‌های فضایی و کالبدی

1. Face Validity

- سرمایه فرهنگی ترکیبی از سولاتی در سطوح سنجش متفاوت بود که امکان اخذ آلفا وجود نداشت.

یافته‌های تحقیق

سیمای پاسخگویان

در بین ۳۹۲ نفر نمونه مورد مطالعه، ۴۸/۵ درصد از شهر پرنده و ۵۱/۵ درصد افراد از شهر نسیم شهر می‌باشد. طبق بررسی به عمل آمده ۴۵ درصد را زنان و ۴۶ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. به لحاظ سنی میانگین سن ساکنان پرنده ۳۵/۵ و ساکنین نسیم شهر ۳۶/۱ است. همچنین به لحاظ وضعیت تأهل ۶/۶ درصد از ساکنان پرنده مجرد و ۹۳/۴ درصد متأهل هستند همچنین ۴/۶ درصد از ساکنان پرنده مجرد و ۹۵/۴ درصد متأهل‌اند. در بین ساکنان پرنده ۱۰/۲ درصد کمتر از یکسال، ۶۱/۲ درصد بین یک تا سه سال، ۱۲/۸ درصد بین ۳ تا ۵ سال، ۶/۶ درصد ۵ تا ۷ سال و ۹/۲ درصد بیش از ۷ سال سکونت داشته‌اند. در بین ساکنان نسیم شهر ۵/۰ درصد کمتر از یکسال، ۴/۱ درصد ۱ تا ۳ سال، ۱/۲ درصد ۳ تا ۵ سال، ۱۳/۸ درصد ۵ تا ۷ سال و ۷۰/۴ درصد بیش از ۷ سال سکونت داشته‌اند. در مقایسه نمونه مورد مطالعه هر دو شهر می‌توان گفت، افراد ساکن در نسیم شهر نسبت به شهر جدید پرنده مدت زمان بیشتری در این شهر سکونت داشته‌اند. زیرا پرنده از جمله شهرهای جدید است و سابقه آن از نسیم شهر کمتر بوده و افراد مدت زمان کمتری در آن اقامت داشته‌اند و بیشترین جمعیت جذب شده به این شهر بر اساس آمارهای موجود نیز، مربوط به ۵ سال اخیر است (به خصوص از سال ۱۳۹۰ به بعد). در حالی که نسیم شهر سابقه بیشتری داشته و اکثر افراد ساکن، سال‌ها در آنجا زندگی کرده‌اند و به نوعی در ساختن آنجا به عنوان یک اسکان غیررسمی سهمیه بوده و مشارکت داشته است.

در خصوص وضعیت قومیت در بین ساکنان پرنده ۲۸/۶ درصد آذری، ۳/۱ درصد مازندرانی، ۳/۶ درصد گیلکی، ۶/۱ درصد کرد، ۷/۶ درصد لر و ۵۱ درصد فارس بوده‌اند. بنابراین بیشتر پاسخگویان پرنده فارس بوده‌اند در حالی که در نسیم شهر ۸۱/۶ درصد آذری، ۵/۰ درصد مازندرانی، ۲/۱ درصد گیلکی، ۲/۱ درصد کرد، ۲ درصد لر و ۱۱/۷ درصد فارس بوده‌اند و اکثر پاسخگویان نسیم شهری قومیت آذری

داشته‌اند. وضعیت نوع شغل (فرهنگی، فنی، اداری، کشاورزی، نظامی، بازاری، کارگری، خدماتی، رده بالا) پاسخگویان شاغل مورد بررسی در دو شهر پرنده و نسیم‌شهر نشان می‌دهد که در شهر جدید پرنده ۴۰ درصد در مشاغل اداری و ۲۲/۵ درصد در مشاغل خدماتی و در نسیم‌شهر ۳۶ درصد در مشاغل اداری و ۲۹ درصد در مشاغل خدماتی، بیش‌ترین نوع اشتغال در نمونه‌های مورد مطالعه در دو شهر را تشکیل می‌دهند. بین کل جمعیت نمونه‌های مورد مطالعه هر دو شهر از لحاظ نوع مشاغل تفاوت چندانی قابل توجهی دیده نمی‌شود. به منظور بررسی مقایسه‌ای متغیرهای تحقیق و تفاوت آماری آنها بین دو شهر مورد مطالعه از آزمون t دو گروه مستقل استفاده شده است. ابتدا میانگین دو گروه در یک جدول نشان داده و سپس نتایج تحلیل آزمون t دو گروه مستقل در جدول دیگری نشان داده می‌شود.

جدول ۲- وضعیت میانگین متغیرهای تحقیق در میان پاسخگویان ساکن شهر جدید پرنده و

نسیم‌شهر

خطای انحراف از میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شهر	
۰/۶۹۹	۹/۷۹	۳۳/۶۸	۱۹۶	پرنده (اسکان رسمی)	حس تعلق مکانی
۰/۷۵۱	۱۰/۵۲	۴۱/۶۷	۱۹۶	نسیم‌شهر (اسکان غیررسمی)	
۰/۷۱۳	۹/۹۸	۲۶/۳۷	۱۹۶	پرنده (اسکان رسمی)	سرمایه اجتماعی
۰/۸۳۲	۱۱/۶۶	۳۵/۳	۱۹۶	نسیم‌شهر (اسکان غیررسمی)	
۰/۳۲۱	۴/۴۹	۱۳/۵۰	۱۹۶	پرنده (اسکان رسمی)	سرمایه فرهنگی

نسیم شهر (اسکان غیررسمی)	۱۹۶	۹/۶۱	۵/۶	۰/۳۶۱
پرنده (اسکان رسمی) نگرش به	۱۹۶	۳۲/۰۲	۷/۹۱	۰/۵۶۵
نسیم شهر (اسکان غیررسمی) کالبدی	۱۹۶	۳۴/۳۸	۹/۱۷	۰/۶۵۵
مدت زمان سکونت				
پرنده (اسکان رسمی)	۱۹۶	۲/۴۳	۱/۰۶	۰/۰۷
نسیم شهر (اسکان غیررسمی)	۱۹۶	۴/۴۹	۰/۸۸	۰/۰۶

میانگین حس تعلق مکانی در بین پاسخگویان ساکن شهر جدید پرنده برابر با ۳۳/۶۸ و در بین پاسخگویان ساکن نسیم شهر برابر با ۴۱/۶۷ است. بنابراین مقایسه میزان حس تعلق مکانی در نمونه‌های مورد مطالعه هر دو شهر، بیانگر بالاتر بودن میزان حس تعلق مکانی در بین ساکنان نسیم شهر نسبت به شهر جدید پرنده است. همچنین میانگین سرمایه اجتماعی در بین پاسخگویان ساکن شهر جدید پرنده برابر با ۲۶/۳۷ و در بین پاسخگویان ساکن نسیم شهر برابر با ۳۵/۳ است که مقایسه میزان سرمایه اجتماعی در نمونه‌های مورد مطالعه هر دو شهر، بیانگر بالاتر بودن میزان سرمایه اجتماعی در بین ساکنان نسیم شهر نسبت به شهر جدید پرنده است. علاوه بر این میانگین سرمایه فرهنگی در بین پاسخگویان ساکن شهر جدید پرنده برابر با ۱۳/۵ و در بین پاسخگویان ساکن نسیم شهر برابر با ۹/۶۱ است. مقایسه میزان سرمایه فرهنگی در نمونه‌های مورد مطالعه هر دو شهر، بیانگر اندکی بالاتر بودن میزان سرمایه فرهنگی در بین ساکنان شهر جدید پرنده نسبت به نسیم شهر است. نگرش به ویژگی‌های فضایی - کالبدی در بین پاسخگویان ساکن شهر جدید پرنده برابر با ۳۲/۰۲ و در بین پاسخگویان ساکن نسیم شهر برابر با ۳۴/۳۸ است. بنابراین مقایسه نگرش افراد به ویژگی‌های فضایی - کالبدی در نمونه‌های مورد مطالعه هر دو

شهر، بیانگر نزدیک بودن نگرش به ویژگی‌های فضایی- کالبدی در بین ساکنان شهر جدید پرند و نسیم شهر است. در نهایت میانگین مدت زمان سکونت میان ساکنان پرند ۲/۴۳ و بین ساکنان نسیم شهر ۴/۴۹ است که این امر بیانگر طول مدت سکونت بیشتر نسیم شهری‌ها در مقایسه با پرندی‌هاست.

جدول ۳- نتایج آزمون t در زمینه وضعیت متغیرهای تحقیق

متغیرها	مقدار t	سطح معناداری	تفاوت میانگین پرند و نسیم شهر
حس تعلق مکانی	۷/۷۸۲	۰/۰۰۰	۷/۹۸
سرمایه اجتماعی	۷/۹۰	۰/۰۰۰	۸/۶۶
سرمایه فرهنگی	۸/۰۴	۰/۰۰۰	۳/۸۹
نگرش به ویژگی‌های فضایی- کالبدی	۲/۷۲	۰/۰۰۷	۲/۳۵
مدت زمان سکونت	۲۰/۸۰	۰/۰۰۰	۲/۰۶

در جدول فوق نتیجه آزمون تفاوت میانگین متغیرهای تحقیق نشان داده شده است. با توجه به اینکه مقدار Sig در همه متغیرهای فوق کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت در میانگین متغیرهای تحقیق دو شهر تفاوت معناداری وجود دارد. با مراجعه به جدول اختلاف میانگین متغیرهای تحقیق ملاحظه می‌شود که میانگین حس تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی، نگرش افراد به ویژگی‌های فضایی- کالبدی و مدت زمان سکونت در نسیم شهر بالاتر از شهر جدید پرند است. در حالی که میانگین سرمایه فرهنگی در بین ساکنین شهر جدید پرند بالاتر از ساکنین نسیم شهر است.

بررسی روابط آماری

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین حس تعلق مکان و نوع سکونت در سکونتگاه‌های رسمی و غیر رسمی (نسیم شهر و پرند) رابطه معنادار وجود دارد.

میانگین حس تعلق مکانی در بین پاسخگویان ساکن شهر جدید پرند برابر با ۳۳/۶۸ و در بین پاسخگویان ساکن نسیم شهر برابر با ۴۱/۶۷ است. بنابراین مقایسه میزان حس تعلق مکانی در نمونه‌های مورد مطالعه هر دو شهر، بیانگر بالاتر بودن میزان حس تعلق مکانی در بین ساکنان نسیم شهر نسبت به شهر جدید پرند است. این یافته‌ها از طریق آزمون t معنادار شده است.

جدول ۴- نتایج آزمون t در زمینه حس تعلق مکانی سکونتگاه‌های رسمی و غیررسمی

وضعیت سکونت	میانگین	انحراف معیار	آزمون t
پرند	۳۳/۶۸	۹/۷۹	t=۷/۷
نسیم شهر	۴۱/۶۷	۱۰/۵۲	S=۰۰۰/۰

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و حس تعلق مکانی ساکنین سکونتگاه‌های رسمی و غیر رسمی (نسیم شهر و پرند) رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه اجتماعی ساکنان پرند و نسیم شهر با وضعیت حس تعلق مکان رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر چه میزان سرمایه اجتماعی افراد افزایش پیدا کند میزان حس تعلق مکانی آنها نیز بیشتر خواهد شد و برعکس.

جدول ۵- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی

فرضیه	شهر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی/تعلق مکانی	پرند	۰/۷۸۸	۰/۰۰۰
	نسیم شهر	۰/۸۱۳	۰/۰۰۰

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد میان سرمایه فرهنگی و حس تعلق مکانی ساکنین سکونتگاه‌های رسمی و غیر رسمی (نسیم شهر و پرند) رابطه معنادار وجود دارد. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین میزان سرمایه فرهنگی ساکنان پرند و نسیم شهر با وضعیت حس تعلق رابطه معناداری منفی وجود دارد. بدین معنا که هر چه میزان سرمایه فرهنگی افراد افزایش پیدا کند میزان حس تعلق مکانی آنها کمتر خواهد شد و برعکس.

جدول ۶- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه فرهنگی و تعلق مکانی

فرضیه	شهر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
سرمایه فرهنگی/تعلق مکانی	پرند	-۰/۲۴۳	۰/۰۰۱
	نسیم شهر	-۰/۴۸۶	۰/۰۰۰

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد میان نگرش به ویژگی‌های فضایی- کالبدی و حس تعلق مکانی ساکنین سکونتگاه‌های رسمی و غیر رسمی (نسیم شهر و پرند) رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین میزان نگرش به ویژگی‌های فضایی و کالبدی ساکنان پرند و نسیم شهر با وضعیت حس تعلق مکان رابطه

معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر چه نگرش پاسخگویان به ویژگی‌های فضایی و کالبدی مثبت تر باشد میزان حس تعلق مکانی آنها بیشتر خواهد شد و برعکس.

جدول ۷- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین نگرش به ویژگی‌های فضایی و کالبدی و

تعلق مکانی

فرضیه	شهر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نگرش به ویژگی‌های فضایی و کالبدی / تعلق مکانی	پرند	۰/۶۴۷	۰/۰۰۰
	نسیم شهر	۰/۳۸۹	۰/۰۰۰

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد میان مدت سکونت افراد و حس تعلق مکانی ساکنین سکونتگاه‌های رسمی و غیر رسمی (نسیم شهر و پرند) رابطه معنادار وجود دارد. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین مدت زمان سکونت ساکنان پرند و نسیم شهر با وضعیت حس تعلق مکان رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که هر چه زمان سکونت افراد افزایش پیدا کند میزان حس تعلق مکانی آنها بیشتر خواهد شد و برعکس.

جدول ۸- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین مدت زمان سکونت و تعلق مکانی

فرضیه	شهر	ضریب همبستگی	سطح معناداری
مدت زمان سکونت / تعلق مکانی	پرند	۰/۳۹۹	۰/۰۰۰
	نسیم شهر	۰/۵۳۶	۰/۰۰۰

تحلیل رگرسیون عوامل موثر بر حس تعلق مکانی

با توجه به بررسی هریک از روابط آماری در فرضیات فوق، در بخش زیر عوامل موثر بر حس تعلق مکانی از طریق تحلیل رگرسیون بررسی خواهد شد. همانطور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود مقدار ضرایب تعیین در هر دو مدل شهرجدید پرنده و نسیم شهر از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند. در واقع می‌توان گفت حدود ۶۴ و ۶۷ درصد از واریانس حس تعلق توسط عوامل در نظر گرفته شده تبیین شده است.

جدول ۹- ضریب تعیین مدل رگرسیون عوامل موثر بر حس تعلق مکانی ساکن شهرجدید

پرنده و نسیم شهر

شهر	R	R ² (ضریب تعیین)	R ² تصحیح شده	خطای استاندارد برآورد
پرنده	۰/۸۳۷	۰/۷۰۰	۰/۶۴۹	۵/۴۱۷
نسیم شهر	۰/۸۲۳	۰/۶۷۸	۰/۶۷۱	۶/۰۳۸

جدول زیر میزان تبیین‌کنندگی حس تعلق مکانی توسط تک تک متغیرهای مستقل را در میان پاسخگویان ساکن شهرجدید پرنده و نسیم شهر نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول در شهر جدید پرنده متغیر سرمایه‌اجتماعی با ضریب بتای ۰/۶۰۷ بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی واریانس حس تعلق مکانی را در بین افراد نمونه دارد. بعد از آن متغیر نگرش به ویژگی‌های فضایی - کالبدی با مقدار بتای ۰/۳۱۵ در جایگاه دوم و سرمایه فرهنگی با ضریب بتای ۰/۰۷۳ - کمترین قدرت تبیین‌کنندگی را دارا است. در این میان مدت زمان سکونت به خاطر تاثیر کم از معادله خارج شده است. همچنین در نسیم شهر متغیر سرمایه‌اجتماعی با ضریب بتای ۰/۷۳۸ بیشترین قدرت تبیین‌کنندگی واریانس حس تعلق مکانی را در بین افراد نمونه دارد. بعد از آن متغیر سرمایه‌فرهنگی با مقدار بتای ۰/۱۱۱ - در جایگاه دوم و نگرش به ویژگی‌های فضایی - کالبدی با ضریب بتای ۰/۰۸۴

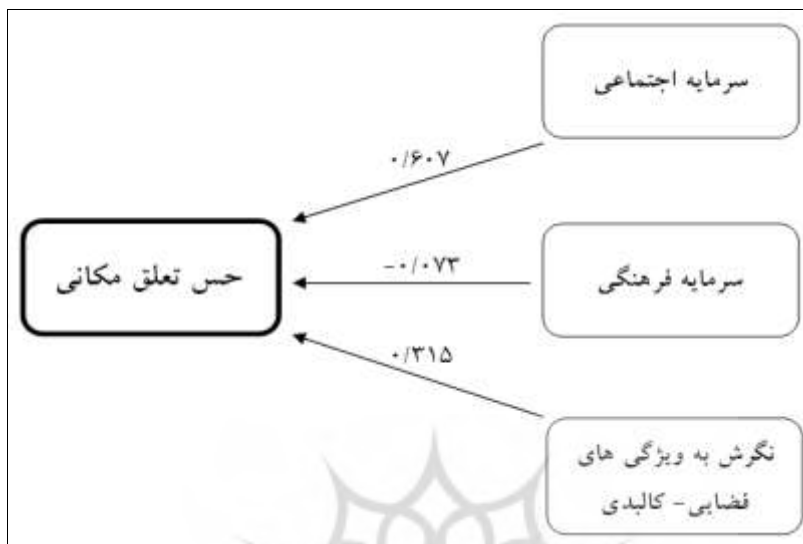
کمترین قدرت تبیین‌کنندگی را دارا است. مقدار بتا در سرمایه‌فرهنگی منفی است و این به معنای تأثیر معکوس سرمایه‌فرهنگی بر حس تعلق مکانی در هر دو شهر است.

جدول ۱۰- نتایج تحلیل رگرسیون عوامل موثر بر حس تعلق مکانی پاسخگویان ساکن

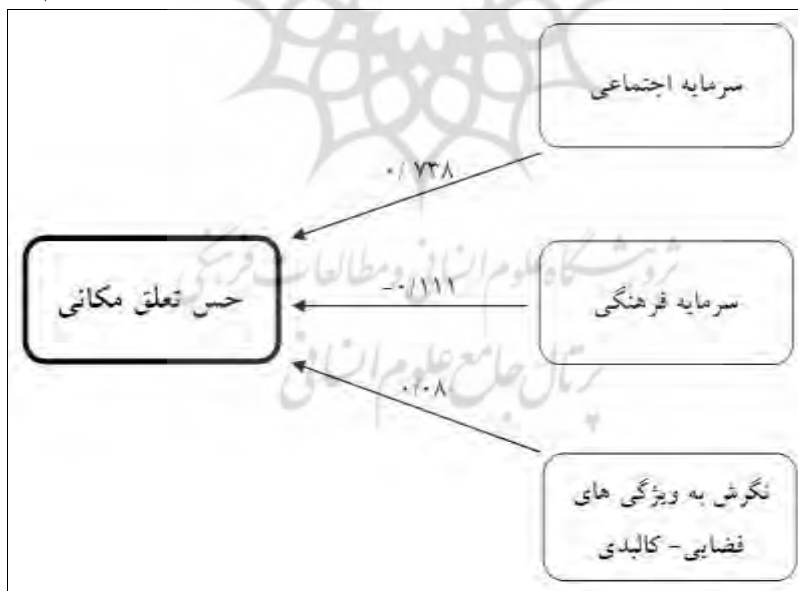
شهر جدید پرند و نسیم شهر

عوامل	شهر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد شده	T	Sig
		B	خطای استاندارد	مقدار بتا		
(مقدار ثابت)	شهر جدید پرند	۷/۷۶۲	۲/۸۹۲	-	۲/۶۸۴	۰/۰۰۸
	نسیم شهر	۱۸/۱۹۷	۳/۸۵۸	-	۴/۷۱۷	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	شهر جدید پرند	۰/۵۹۵	۰/۰۴۶	۰/۶۰۷	۱۲/۹۰۳	۰/۰۰۰
	نسیم شهر	۰/۶۶۶	۰/۰۴۴	۰/۷۳۸	۱۵/۲۷۶	۰/۰۰۰
سرمایه فرهنگی	شهر جدید پرند	-۰/۱۶۰	۰/۰۹۲	-۰/۰۷۳	-۲/۷۴۰	۰/۰۰۴
	نسیم شهر	-۰/۲۳۰	۰/۱۲۰	-۰/۱۱۱	-۲/۲۰	۰/۰۴۶
نگرش فضایی و کالبدی	شهر جدید پرند	۰/۳۹۰	۰/۰۵۸	۰/۳۱۵	۶/۷۴۰	۰/۰۰۰
	نسیم شهر	۰/۰۸۶	۰/۰۵۳	۰/۰۸۴	۱/۹۸	۰/۰۴۹

نمودار ۲- تحلیل رگرسیون متغیرهای تبیین کننده حس تعلق مکانی در شهر جدید پرند



نمودار ۳- تحلیل رگرسیون متغیرهای تبیین کننده حس تعلق مکانی در نسیم شهر



نتیجه‌گیری

جمع بندی نتایج مقاله حاضر نشان داد که حس تعلق مکانی ساکنان نسیم شهر بیش از ساکنان پرنده است. این امر حکایت از آن دارد که ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی به دلیل سکونت خودجوش حس تعلق بیشتری به مکان زندگی خود دارند چون عمدتاً افراد ساکن در این سکونتگاه‌ها از نظر قومیت، زبان و پایگاه اقتصادی اجتماعی همخوانی بیشتری دارند و سرمایه اجتماعی درون گروهی بین آنان قوی تر است همین امر تعلق آنان را به مکان زندگی شان بیشتر می‌سازد. اما افراد ساکن در پرنده به دلیل فقدان علقه‌های قومی و فرهنگی و صرفاً به دلیل پایین بودن سرمایه اقتصادی و عدم توانایی تامین مسکن مناسب در تهران در این شهر اسکان داده شده‌اند که این امر بدون توجه به معیارهای فرهنگی و اجتماعی بوده و صرفاً به مثابه مسکنی برای درمان مشکل مسکن و سرریزی جمعیت شهرهای بزرگ از جمله تهران است. در بین عوامل اثرگذار بر حس تعلق مکان در این دو شهر سرمایه اجتماعی مهمترین عامل است. بر این اساس دلیل آن را می‌توان در تکوین پیوندهای اجتماعی و حضور در شبکه‌های اجتماعی شهری جستجو نمود که رخداد چنین پیوندهایی در مکانی معین، باعث پدیداری روح جمعی در ساکنان آن مکان می‌شود (Coleman, 1988. Putnam, 1993. Bourdieu, 1986).

بطوری که مکان خاص یادآور خاطرات جمعی افراد می‌گردد و همین امر نوعی حس تعلق مکان را در آنان ایجاد می‌کند. شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی مبتنی بر اعتماد در مکانی خاص تعلقات بین فردی و تعلق فرد به مکان را افزایش می‌دهد. بدینگونه پیوند محکمی بین روابط اجتماعی و مکان ایجاد این روابط برقرار می‌شود و فرد با التزام خود به مکان، سعی در حفظ این روابط دارد، زیرا این سرمایه تا اندازه‌ی زیادی وابسته به مکان و مکانمند است. چگونگی پیوند این دو عنصر در شهرهای پرنده و نسیم‌شهر با یکدیگر متفاوت است. در مقایسه دو شهر، سرمایه اجتماعی پرنده‌ها (۲۷/۳) در مقایسه با نسیم‌شهری‌ها (۳۵/۳) کمتر است. از سوی دیگر نتایج حاصله از پایین بودن حس تعلق

مکانی ساکنان پرنده در مقایسه با ساکنان نسیم شهر حکایت دارد. شهر جدید پرنده از سابقه چندانی برخوردار نیست؛ در عین حال محدود بودن روابط اجتماعی؛ حضور کم‌رنگ خانواده، اقوام و آشنایان ساکنین در محل سکونت (پرنده)؛ وابستگی عاطفی به مکان سکونت قبلی (بیشتر شهر تهران)؛ عدم نگرش مساعد و ارزیابی نامطلوب از ویژگی‌های فضایی - کالبدی، امکانات و خدمات شهری و... باعث پایین بودن حس تعلق مکانی ساکنین پرنده نسبت به مکان سکونتشان شده است. لذا تلاش برای ارتقاء، توسعه و تعمیق روابط، پیوندها، شبکه‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی مشارکتی؛ رعایت استانداردهای کمی و کیفی در کنار یکدیگر؛ عدم تاکید صرف بر ابعاد فیزیکی و ساخت و ساز و تامین مسکن؛ توجه به اماکن و فضاهای فرهنگی؛ توجه به انسان به عنوان یک موجود اجتماعی و فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش حس تعلق مکانی ساکنین شهر جدید پرنده شود. در حالی که در نسیم شهر بر خلاف شهر جدید پرنده، وجود روابط عمیق، قوی و گسترده ساکنین با خانواده، اقوام، آشنایان، هم‌محله‌ای‌ها و همسایه‌ها؛ فرارگیری در شبکه‌های اجتماعی وابسته به قومیت و مبدا مهاجرت؛ همدلی و هم‌زبانی بخش عمده‌ای از ساکنین و... زمینه‌ساز بالا بودن سرمایه اجتماعی و به تبع آن بالا بودن حس تعلق مکانی ساکنین شده است. همچنین بهبود و ارتقاء ساختار، بافت و ارتقاء سطح عناصر کالبدی، جذابیت بصری شهر، تقویت امکانات و بهسازی خدمات شهری در راستای جلب رضایت ساکنین، می‌تواند حس تعلق را میان آنان تقویت نماید. (Riger & Lavrakas, 1981).

عامل اثر گذار دیگر، سرمایه فرهنگی است. ساکنان پرنده (۱۳/۵ درصد) در مقایسه با نسیم شهری‌ها (۹/۶ درصد) سرمایه فرهنگی بالاتری داشته‌اند. اما رابطه این متغیر با حس تعلق مکانی منفی است. بطوری که نتایج حاصله نشان دادند هرچه سرمایه فرهنگی افراد در شهر پرنده بالاتر بوده، میزان تعلق آنان به مکان سکونت کمتر بوده است. همچنین تاثیر این متغیر در قیاس با دو متغیر پیشین بسیار پایین است، لذا با بهبود شبکه‌های اجتماعی، مشارکت، برنامه‌ریزی از پایین به بالا، تقویت استانداردهای کمی و

کیفی در کنار یکدیگر، بهبود امکانات و خدمات شهری و فرهنگی می‌توان در جهت افزایش سرمایه فرهنگی ساکنان دو شهر گام‌هایی را برداشت.

به طور خلاصه، نتایج حاصل از بررسی فرضیات تحقیق، نشان می‌دهد که نسیم شهر به عنوان یک اسکان غیررسمی (که به صورت خودانگیخته، بی برنامه و بی ضابطه شکل گرفته است) در مقایسه با شهر جدید پرند به عنوان یک اسکان رسمی (که بر مبنای طرح و برنامه‌ریزی‌های از پیش تعیین شده، توسط دولت ساخته شده است) از تعلق مکانی بالاتری برخوردار است. بنابراین با وجود سطح نسبتاً بالای تعلق مکانی ساکنین نسیم شهر می‌توان به بهبود وضعیت این سکونتگاه امیدوار بود زیرا تعلق مکانی یک پتانسیل مهم و اساسی در مشارکت ساکنین برای بهبود و ارتقای مکان می‌باشد و در نسیم شهر نیز مداخله و مشارکت فعال ساکنین در کنار آموزش و قائل شدن جایگاه برای مردم در برنامه‌های بهسازی و ساماندهی به خصوص در زمینه محیط کالبدی، می‌تواند گامی مؤثر به منظور بهبود وضعیت این سکونتگاه باشد.

منابع

- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: نشر روزنامه سلام.
- تبریزی، جلال. (۱۳۸۲)، تأثیر نوسازی شهری بر ایجاد حس لامکانی (مطالعه موردی: پروژه نواب تهران)، *رساله دکتری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری*، دانشگاه تربیت مدرس.
- جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم. (۱۳۹۰)، مفهوم حس تعلق مکان و عوامل تشکیل دهنده آن؛ *مجله علمی و پژوهشی هویت شهر*، شماره هشتم.

- رضازاده، راضیه. (۱۳۸۵)، رویکرد روانشناسانه و جامعه‌شناسانه به هویت مکانی در شهرهای جدید، *مجموعه مقالات هویت شهرهای جدید*، تهران: انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید.
- رهنما، محمدرحیم؛ رضوی، محمد محسن. (۱۳۹۱)، بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد، *نشریه هنرهای زیبا*، دوره هفدهم، شماره دوم.
- زنگنه، یعقوب و حسین‌آبادی، سعید. (۱۳۹۲)، تحلیلی بر تعلق مکانی و عوامل مؤثر بر آن در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: محدوده شرق کال عیدگاه سبزوار)، *نشریه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال سوم، شماره هشتم.
- صمیمی شارمی، علی و پرتوی، پروین. (۱۳۸۸)، بررسی و سنجش حس مکان در محلات ارگانیک و برنامه‌ریزی شده (مورد پژوهی: محلات ساغریسازان و بلوار گیلان در شهر رشت)، *نامه معماری و شهرسازی*، دوره دوم، شماره سوم.
- فلاحت، محمدصادق. (۱۳۸۵)، نقش طرح کالبدی در حس مکان (مقایسه حس مکان پنج مسجد معاصر با طرح سنتی و نوآورانه)، *رساله دکتری در رشته معماری*، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵)، *پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، ترجمه: غلامعباس توسلی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کریمی، نرگس. (۱۳۹۰)، تبیین جایگاه نشانه‌ها در فضای شهری و بررسی تأثیرات آن بر حس تعلق مکان (نمونه موردی: خیابان ولیعصر تهران)، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته شهرسازی*، دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

- کمانرودی کجوری، موسی. (۱۳۷۷)، اسکان غیررسمی در تهران- ساماندهی اسکان غیررسمی منطقه ۶ شهرداری، *پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته جغرافیا انسانی*، دانشگاه شهید بهشتی.
- مظلومی، مازیار. (۱۳۸۹)، تأثیرپذیری ابعاد حس مکان از ادراکات ذهنی در محله‌های مسکونی شهری، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری*، سال اول، شماره سوم.
- میردامادی، سید پرهام. (۱۳۹۱)، ارتقاء کیفیت محیط‌های شهری با تأکید بر رویکرد مکانی (نمونه موردی: محله ولنجک تهران)، *پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته شهرسازی*، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اصفهان.
- وارثی، حمیدرضا؛ علیزاده، جابر؛ صالحی، مریم. (۱۳۹۰)، تحلیل و ارزیابی احساس هویت ساکنین در شهرهای جدید (نمونه موردی: شهر جدید فولادشهر)، *مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی*، سال اول، شماره سوم.
- Altman I & Low S (1992). **Place Attachment**. London: Plenum Press.
- Bourdieu P(1986). *The forms of capital. Cultural theory: An anthology* 81-93.
- Brown B. B. & Perkins D. D. (1992). *Disruptions in place attachment*. In Place attachment (pp. 279-304).Springer US.
- Bonaiuto M. Aiello A. Perugini M. Bonnes M. &Ercolani A. P. (1999). Multidimensional perception of residential environment quality and neighbourhood attachment in the urban environment. *Journal of environmental psychology* 19(4) 331-352.
- Casakin H. P. &Kreitler S. (2008). *Place attachment as a function of meaning assignment*. Open Environmental Sciences 2 80-87.
- Coleman J (1988). Social Capital in the Creation of Human Capital The *American Journal of Sociology* vol.94 pp: 95-120.

- Hashas M.H (2005). *Residents' Attachment to New Urbanist versus Conventional Suburban Developments*. A Dissertation submitted to the Graduate Faculty of North Carolina State University In Partial fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Hidalgo M. C. & Hernandez B. (2001). Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of environmental psychology* 21(3) 273-281.
- Offe C & Fuchs S (2002). *A Decline of Social Capital?The German Case*. Published in Putnam R. D. (Ed.). (2002). *Democracies in flux: The evolution of social capital in contemporary society*. Oxford University Press.
- Putnam R (1993). *The Prosperous Community: Social Capital and Public life* The American Prospect Spring Pp: 35-42.
- Relph E. (1976). *Place and placelessness* (Vol. 67). London: Pion.
- Riger S. & Lavrakas P. J. (1981). Community ties: Patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. *American journal of community psychology* 9(1) 55-66.
- Scannell L. & Gifford R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology* 30(1) 1-10.
- Steele F (1981). *The sense of Place* Boston: CBI publishing company.
- Tuan Yi-Fu (1974). *Topophilia: A Study of Environmental Perception, Attitudes, and Values*, Englewood Cliffs N.J. Prentice-Hall.
- Warzecha C. A. & Lime D. W. (2001). Place attachment in Canyonlands National Park: visitors' assessment of setting attributes on the Colorado and Green Rivers. *Journal of Park and Recreation Administration* 19(1) 59-78.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی